

1	پیام بر باختر	1
Vol. I		جلد اول
No. 10	بر حسب تاریخ بهمانی	شماره 10
۶۷	پرنورده روز چاپ	۸ سپتمبر ۱۹۱۰
سالیک ادار	و توزیع میگردد	قیمت اشتراک

Address: — ادرس ادار
 Peyam Bare Bakhtar
 1800 Belmont Road
 Washington D. C. U. S. America.

شیکاگو اعضاء محفل روحانی علیم بهاء التماسی

ای عزیزان عبد البها! لایحه‌های شمارا در نهایت تهنیت نمودم بسبب روح ویرکان
 قلب است و باعث اشراج نفوس اگر این محفل روحانی بنحایت رحمانی و نایب‌زادانی در امر
 استقرار باید منشأ آثار عظیمه گردد و موقوف بر امور کلیه محافل روحانیه گردد این طبع الهی و توان
 رحمانی تائیس شود البته مثل مانندش در اخصار ناطیه تکفین نیافته زیرا محافل عظمی در نخستین
 اکابر رجال بود تا این محافل در کت حیات جمال بهی ناصر معین آنان یا امیر بود یا ملک
 بود و یا کاهنی رئیس یا جمهوری کثیر تا این محافل روحانیه انما امر معین و مؤید اعظم حضرت سید
 قدیر حال برانظر ننشاید استقبال و مال را تصور کنید و اندر بدایت بسیار صغیر است و
 عاقبت ثجری عظیم بناید نظر دهنه کرد بلکه باید نظر در شرح نمود و النوع مشکوفا در برگ در

پیام بر باختر

عواطف و زمین بسج کنید که عبارت از شرمه فقیل بود بعد عواطف نماید که در آن هر چه شجری شد چه
 نمری داد حال اعظم از آن است زیرا ندای رب بجهت است وصوت صاف و خج قیوم
 آهنگ صد و صد آفاق است و رایت راستی ازستی و آشنی در میان مل متناهد بلا و دیار
 نورایت شمس حقیقت است و در حقیقت حضرت احدیت این دور اعظم جمیع آفاق را احاطه
 نماید دعای کمال در ظل این رایت محسوس گردند پس بخت این دان را بدانند که آن
 در همان جنتی در کشتن از الهی بدست رحمت نشاند از فیض بارین سوخت سقید نموده
 و در حرارت اضا شمس حقیقت پرورش میدد پس ای یاران الهی بشکوه حضرت
 یگانه پردازند که منظر چنین بویستی کشید و در چنین جمعی طوبی کلم بشری کلم من هذا افضل
 اعظم و علیکم التحیة و التنازع

تربیت عمومی پسران

همان نوکیله زمین بدون باغبان بزر و خرم نگردد و بیابان بدون آب چون گل نمخندد
 بدون روح فکاره زمین مانند حیوان بدون مواظبت بکالت بحیث بسببیت نماید بهما قسم
 اطفال انسان بدون تربیت و تعلیم از نعمت آرزوی استقلال محروم و بی نصیب می مانند و در محض
 بر جهالت پستی مشهور گردند بنام است که انسان بی علم و بی تجربه الله مورد خیره گردد جوهر و لؤلؤ را برهاند
 و شبیه بنموشد حقوق اصلی مورد از وی خواهد از روی نادانی از دست برده بسبب خیالی شهرت
 و اندام آثر دست کرد دین بسین را با بد عهد و اخلاق نسی را از رسوم و مقود نماید طریق
 ظلم و جفا پدید و بر سنگ دلی و بر جوی آتش بر خانان بجانگان زند بی ای خوا مندر غریب
 حیرت و ضعیف نگراید که بوط ظلم مردان از بندگان و بیج سری از بی ظلم گردد که در وی جمل نادانی پس
 صاحبان بر پوشید نیست که نادانی انسان ظلم و جهالت و ابد است و علم و دین ازین جدید

پیام بر باختر

پایه عدالت و نصفت و از آدوی احقریت و نیشید برین است که هیچ یک از ذول جبهه نماند
 حاضر به تعاهد ساینه خود رسیده گز از طریق تربیت عمومی و ترمج حارف سفید درین جمهور وقت اما
 برای رفع مشکلات که در قرون تمادیر جمع شده بود اول شهن اشون امر دزد خست کشیدند کوه های عظیم
 عوانق را از جلوی قدم خود بر طرف کردند و میهن آنکس جهان خود انثار نمودند تا آنکه تعصب ای بیستی
 کشیش ای پریش از اسیب ای بر حید و تدویر را نکست داد مجبور بود روح پرورده اندر انباش کشیدند
 و مدارس عمومی بجان باد نمودند و وجود دختران و پسران خود را به علوم و فنون نوزین در آیش دادند
 و در حوضه رفعت سعادت می داخل گشتند و جاهلیم مدد بزرگ بر شجاعت بسات نمی خود افزون
 و ممالک تا یکت و علوم حیات را نفع نمود و تصد و انگش ای نورانی از باره زلف افلاک برسانند
 ولی چون در این اعظم حضرت بهاء الله او امر متفکر در باب تعلیم عمومی و تحصیل نمره پیشه وضع کردیم پیران
 این امر تربیت اطفال خود را چه پرورد ختر یکی از مسائل ضروریه دینیته میدانند و تحصیل معارف صحیح را بزر
 گترین عبادت الهی فرض مینماید و این امر روح بخش فقط در دین بهاء الله باین وضوح و اتقان بیان
 گردید و در حقیقت جمیع صلاح و نفع عالمیان دانسته شده و کس یکدیگر نغف و ترقی دین حضرت سبب الحمد
 انشا و تعالیم از آدوی بخش حضرت رسول ص مطمن میدانند که غلبه جهامیر کلمات الهی اثرش در غلوب
 مخلص و علی بیشتر از زمین ابراطوران لدض است در چون از حضرت بهاء الله سخن اتحاد نامس و اکیاد بحث
 در میان نادمان عالم برین از جنل بر افکنند لهذا بر قدر بیانات و تعالیم او گوش مردم برسد و بر قدر مشام پران
 خاک از تعقیب قدس مطهر گردد در تربیت اطفال خود بیشتر از پیش خویشند که بشود و باین وسیله کم کم فرد فرد
 مساکین جهان در چنین با امریک و از افریق تا نارتا در بخش علوم ترقی گردیدند در حوضه مردمان از آدوی
 خوانندگت و امر دزد بر قدر دولتت ایران اوقات شریف را حرف تحصیل ممالک مدارس ملل غریب
 نمایند و اسلوب کلمه انهار در مملکت رواج دهند مستم است که اطفال خود را بهتر از پیشتر تیرا سبیرت
 کنند مثلاً در حوضه فریخته کرد دولت انگستان نفوذ در جزیرن انگلند و در مکز سال صد و ست پنجم میلادی

توان خرج تربیت اولاد امی خود میزند ۲۹۱۶۲ و این و کلیات بنا نمود است چنانکه در حدیث
 ایران در هر سال یکب کلمات میخوانند و صد و چهل و یک هزار تخمین زن و چهل و یک هزاره نقلین و برادرهای
 مرد شصت و نه در است و اینها روح علوم و قلوب میدهند تا آنکه بزرگی را بسنجد و بتعمای صمود و نمود که آنجا
 بنامید که بتقدیرش مکتبش را بسج در جاه است که جمیع مشاطق علم را در بر و آفتاب از مشرق تا مشرق بر گزید
 نمی نماید زیرا که اگر از نقطه غروب کند نه افق دیگری طالع خواهد نمود. هم چنین دولت فرانسه که همیشه در هر
 جشن بیست و نوبت بوده در سال گذشته ۹۰۵، ۲۷۱، ۲۷۱، ۲۷۱ فرانک خرج عیال خود نمود و ابواب بسته
 هرگز در بسته نباشد و در اینها در داخل نکتت باز داشته است در همین سال بیشتر از شش میلیون اطفال
 در پرده خیز به تحصیل مشغول بودند در همین جهت است که در نظر ملل جهان باین شرف در مرتب نام
 شده. بعد که با فرجام که خندق کلام و سلطان نصرتش میدانم چه خوش گفته: "نکتت از خود آمدن
 کمال کرده و این دانشندان جمال پیدا پادشاهان برکت فرود آمدن میخیزند که خود آمدن است
 پادشاهان" در نیمه و حضرت پادشاه عالمیان را خطاب نمود میفرمایند: "ای پادشاهان من شما
 در حضور این میدانید با هر یک غیر غیر ظاهر شوید تا خود را اگر این ادعا قطع شوند لذا بر کل لازم که بعضی
 و است به مشغول که در این است سبب قیام اولی الالباب در آن الامور معتقده با سببها و فصل آید به تحصیل
 دانشهای شمار لایق نابود خواهد بود... پس ترین ناس نموی که میگویند که بی شکرده این ظاهرند و آن حقیقه از
 ادوات که بنده ادوات از این نفوس متعلقه نمند در چه عین الله فرمود: "بهترین ناس آنست که با کرامت
 تحصیل کنند." در حضرت عبد البها عبادات را شن میفرمایند: "علیکن بزرگترین اطفال هستند
 خود را اطفال هم و علیکن تبیین اخلاق هم علیکن بملو اطمینان علیهم فی جمیع شئون و الا حوالی لاتی الله سبحان
 و تعالی جعل الامتات تربیات اولیات بعد و الا اطفال بزرگترین و عظیم ایشان عالی شدید قلد
 بگو از گفتو رفتند ابد" در مقام دیگر در لوح عظیم تربیت و تعلیم که انشایش در ممالک غرب اثر است
 بخشود چنین ملل تنها از نصحت میمانند: "اگر کسی نباشد چه نموس و چه شایسته

پیام بر ماخر

و اگر معلوم باشد اطفال کل مانند خمرات گویند اینک در کتاب الهی در این دو بدیع تعلیم تربیت امر اجباری است
 نه اختیاری یعنی برپرد و در فرض همین است که دختر و پسر را نهایت تمت تعلیم تربیت نمایند و نه بیستادگان
 نیز باشند و در آغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این خصوص قصور کنند در نزد رب غیور نامود و مذموم
 باشند و این گنگی است غیر متصور ... آری تکلیف باران الهی و ایمان آنست که باقی دهر کمان
 از تربیت و تعلیم اطفال نه ذکر و نماز است که شوند و دختران مانند پسرانند ابد از قرنی نیست جهل هر دو مذموم
 و نادانی هر دو بیغرض ... اگر بدین تحقیق نظر کرد تربیت و تعلیم دختران لا از مرتزده پسران است زیرا این
 بنات دینی آید که مادر گردند و اولاد پرورد شوند و اولی مرتب اطفال نام است زیرا اطفال مانند شاخه بنه و تره
 ظهور تربیت شود نشود نه نماید اگر تربیت راست کرد راست شده اگر کج کرد کج شد و تا نهایت عمر پسران
 نماید پس بنات در همین شد که خمران علم تربیت چون در گورد بسبب محوس جهل و نادانی عدم تربیت و تعلیم
 شود ... البته بجان پوشیده که اطفال خویش را علی الخصوص دختران را تعلیم و تربیت نماید و هیچ خدمتی در این مقام
 مقبول تا عزت بر تیره و علویت بر رویه در او نبیند این مهارت اند شمس نمی جلوس و طلوع نماید و قلب خسته ارباب
 و مضمون شود. پس از شرح نکات و نقل بیانات عظیمه قبل باید بر ساکنین ارض مبرهن کرده که عقیده
 بهائیان در باب تعلیم و تربیت چیست و در چه خواهد فرمود که این امر در راهی چه صلاح است و عظمه و ترقی است یا
 مسخره باید بر فرد بهائی که در هر ملکیتی ممکن دارد قوت و نفوذ اظهار نماید تا مردمان بتق اینین بدانند که
 بهائیان چند ترقی هستند و مزوج تمدن و آزادی علم و تربیت تعلیم خواهند نمود و تا شرف و دانش تحقیق
 برود این است تربیت علوم بهائی! این است غایتی که لذت ملکوتی!

اخارات

در به ماه اظطرار بهائیان را کسبکنند و مجلس عمومی جمع شد و عید نوروز را در آن جشن برپا داشتند و جمیع
 اجازت و انفرادی این جمعی حاضر بودند و محفل بود بسیار روحانی جنبه که این تسبیح شرح از تبار بهائیان

پیام بر باختر
 بیان نمودند و جناب سرتیپین عبادات جلیله در تعالیم حضرت با آنکه کبریا و جل جلاله کرده اند اظهار داشتند
 کتب فصیح از جناب باختر بزرگتر بود که بزرگتر از آنکه در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود
 گردید امید می کرد که این نوع مراد است زود زود از اطراف ایران با سر یک رسد.

جناب سرتیپین در این ایام بجز آنکه در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود
 چند سال در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود
 اخبار خوشی که از آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود
 عروسی واقع خواهد گردید پیام بر باختر تبریک همیما از اظهار سید اردو.

در این ماه چهارم سید سید محمد باقر باقی را در این امر یکی دریافت گردید و پس از آن
 زهد و جانش ارسال شد و همچنین مکاتب مدحان از شمس با مقام حضرت اشعار عجم که در واقع با او در آنجا
 احضار داشت که بوسیله حضرت قابل بنظم آمده بود و یاد است گردید و سبب آن شد بدست
 سیر است تکی ایرانیان پروردگار علم و دانش را در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود

جناب سرتیپین که از آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود
 چند روزی در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود
 نمود و پس از آنکه در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود
 حضرت شادمانه که نزد جوانان باهوش ایران را بهر این خود آوردند که در وارس امریک
 به تکمیل شب فکله علمی شروع نمایند در روزنامه های آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود
 سفینه در این باب نوشته اند پیام بر باختر حیات وطن پرستانه در دستش بود و در آنجا در دستش بود
 جناب سرتیپین که از آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود و در آنجا در دستش بود
 ایام سپاس در دوا بط تجارتی دهش اقلی مابین ایند مملکت آید و جدید نمایان کرد و در دستش بود
 کلمه حق را باید و سپس بجز علی الله عز و جل.